

ادامه درس یا نودهم

۳۵. چنانکه در مدام مقول به ناست با سیم چه چیز نایب فاعلی شود و بعد حاصل

- ۱- مصدر باشد
- ۲- معقول شده باشد
- ۳- اسما به آن صریح باشد

مصدر و ظرف منصوب باشد یعنی

یعنی این که فقط در یک نقش کاربرد داشته باشد و نقش های دیگری نتواند پذیرد.

بنابر این مصدرهای مانند: **سبحان** و ظرف هایی مانند: **لوی** که فقط **مجاز**

در نقش می پذیرد مصرف نبوده و نمی تواند در نقش نایب فاعل قرار بگیرد.

۳۶. تحقق شدن مصدر و ظرف

- ۱- به وسیله صفت **فِعْمٌ صِفَتٌ** خوب معجزه شود
- ۲- به وسیله افعال **حَدَّثَ حَزْمَةُ الْأَمِيرِ** نایب فاعل صفت
- ۳- به وسیله عدد **ضُرِبَتْ مِائَتَ مَرَّةٍ** نایب فاعل و فاعل به الف

۱- صفت ← ضمیمه يوم ماضٍ «روزه ماضی گرفته شده»

۲- اضاف ← ضمیمه يوم الجبهی «همچون روزه گرفته شده»

۳- علمیت ← ضمیمه رمضان «ماه رمضان روزه گرفته شده»

آیا نایب فاعل مانند فاعل مجرور حرف جر لفظائی شود :

بله، مجرور حرف جر نیز می تواند نایب فاعل واقع شود.

مَرَّ جَالِسًا لَدُنْهَا رَاغٍ فِيهِ وَهَوَّاهُ دانه شد
فعل مجهول جار و مجرور

نایب فاعل لفظاً مجرور، مَرَّ مفعول

هرگاه نایب فاعل مجرور حرف جر باشد فعل آن از نظر مآء تأنیث، جالونی آید :

ا- چنانکه مجرور حرف جر نایب فاعل باشد و هوئت مفعول مؤنث می آید.

مَرَّ بِحَدِيدٍ هَلْهَلَّ بِهَوَّاهُ دانه شد
فعل مجهول جار و مجرور

نایب فاعل لفظاً مجرور، مَرَّ مفعول

۲- در این حالت می توان مجرور حرف جر را با حفظ نایب فاعل بودن بر فعل خود

مقدم کرد و نوشت : بِحَدِيدٍ مَرَّ

۳۷. مبتدا و خبر چیست؟

مبتدا، اسم مرفوعی است که ابتدای جمله معمولاً می آید و جعل با آن شروع می شود و خالی از عوامل لفظیه و اسفاد داده می شود به او خبری.

خبر، آن چیزی است که اسفاد داده می شود به مبتدا و تقاضا کننده معنی مبتدا است.

العلم مفید علم مفید است.

مبتدا خبر

مرفوع مرفوع به رفع هر دو به ضمه ظاهری

عوامل لفظیه چیست؟ عوامل غیر زائد است که بر سر مبتدا می آید مانند

حروف مبهمة بالفعل، نواسخ* و... اما عوامل زائد بر سر مبتدا می آید در حین عالی

مبتدا لفظاً مجرد و محلاً مرفوع است.

عوامل غیر زائد (عوامل لفظیه) به معنی آید

به معنی آید

عوامل زائد

بر سر مبتدا

* کلاً عواملی که بر سر مبتدا بیاید و آن را از مبتدا بودن خارج کند مانند فعل تام،

افعال ناقص، حروف مبهمة بالفعل و... عوامل غیر زائد است.

« آیا عالمی در شعر وجود دارد؟ »

هَلْ مِنْ عَالَمٍ فِي الدَّفِیَةِ

↓
مبتداً خبر
زادَ لفظاً مجزوءاً محذوفاً
محلّ مرفوع

« چه بسا اشعری هستی که با ادب خود
مقام بلندی را کسب کرده است. »

رُبَّ رَجُلٍ وَضِيعٌ أَحْزَرَ بِأَدَبٍ مَقَاماً عَلِیّاً

↓
مبتداً مبتداً خبر
زادَ لفظاً مجزوءاً محذوفاً
محلّ مرفوع

انواع مبتدا :

۱- صریح ← العلم مفید

۲- غیر صریح یا مقول ← اَلْاَقْوَمُوا خَيْرٌ لَّكُمْ

↓
صیغه ماضی خبری

۳۸. چرا مبتدا باید مرفوع باشد ؟

تا مفید باشد زبانی که خبر داده می شود از آن.

- چه وقت اسم نکره ابتدا (مبتدا) قرار می گیرد ؟

زبانی که اسم نکره خبری باشد.

۳۹. چه زمانی اسم نکره مفید است ؟

- ۱- هرگاه عام باشد - تعالی افراد جنس خود را شامل می شود و
 ۲- هرگاه خاص باشد - نزدیک اسم معروف می شود.
- اسم نکره زمانی
 مفیده
- ۳- چه موقع اسم نکره خاص می شود و مقدار امر را می گیرد.

- ۱- آوردن صفت ← خَطِيبٌ مَهَقَمٌ زَارِنًا
 خطیب مہقَمی زارِنات کردم.
 مبتدا صفت خبر
 اسم نکره
- ۲- آوردن اضافه ← خَيْرٌ حَلِيَّةٍ حَلِيَّةِ الْأَدَبِ
 اسم نکره مضارع الیه خبر مضارع الیه
 مبتدا
- ۳- عمل در مانع ← رَغِبْتُ فِي الْخَيْرِ خَيْرٌ
 اسم نکره جار مجرور خبر
 (مصدر شریف) مبتدا
- ۴- تصریف ← كَيْسٌ هَلْوَءٌ أَحَدِي
 نکره مضارع خبر مفعول
 مبتدا
- خاص کردن
 نکره

۴- چه موقع اسم نکره می تواند عام باشد و مقدار امر را می گیرد؟

- ۱- عموم افراد آن اراده شود. إِنْسَانٌ خَيْرٌ مِنْ جَبِيَّةٍ
 ۲- هرگاه اسم نکره پس از ادات استثنای آید یا نفی قرار گیرد.
- عام کردن
 اسم نکره
- حل احدی فی الوار

برای مبتدأ اثر، گرفتن اسم نکره چه گونه‌های دیگری نیز ذکر شده است:

۱. اسم نکره بود از ظرف ← عِزِّي مَالٌ
 اسم نکره بود از خبر ← لَصٌّ عَالَمٌ هَفْوَةٌ

۲. در ابتدای جمله حالیه قرار گیرد ← سَوْنِيَا وَجْهٌ قَدْ اُضْيَا

۳. بود از افعال ← دَقَرْتُ فَاذَا نَارٌ تَلْقَمُ الْقَصْرَ

۴. بود از لولا ← لَوْلَا اَجْتَمَعَ لَسَادُ النَّاسِ طَعْمٌ

۵. هرگاه مبتدأ برای تنويع (بیان نوع) باشد ← يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيَّ

۶. اسم نکره به معنی صا باشد ← وِلٌّ لِلْعَظَمَنِ

۷. هرگاه که اراده شود تعجب از آنها ← حَبِّ لَزِيدٍ

۴۲. اصل در خبر چیست؟

اصل در خبر این است که نکره باشد. زیرا خبر توصیفی برای مبتدأ است.

اما گاهی خبر به شکل معلومه نیز می‌آید در صورتی که مبتدأ معلومه باشد.

هَذَا مَوْلَانَا

مبتدأ خبر

معلومه

اسم اشاره توصیف به اسم اشاره

۹۸/۸/۱۳

نعمه دقالت

جلد بی نواز دهم

درس ۱۷ ه مرتبه مبتدا و خبر

۴۲۳ ه مرتبه مبتدا و خبر چه خبر است؟

اصل بر این است که مبتدا مقدم و خبر مؤخر باشد. چرا؟ زیرا اعمیه مبتدا محکوم علی بود

بر او حکم می کنیم باید معرفه و مقدم باشد. **العلم مفید** حکم مفید بود. برای

علم است. خبر محکوم به بود و باید مؤخر باشد. چرا؟ زیرا اعمیه است که مبتدا

نصب داده می شود اما گاهی چیزی پیش می آید که عمل کردن از این اصل واجب

یا جایز می کند.

موارد وجوبی تقدم خبر بر مبتدا . ۱ مورد

۱- زمانی که خبر ظرف یا جار و مجرور باشد و

مبتدا اسم نکره

«اعلى زین است»

عندي مال

خبر و هو مقدم بر مبتدا

۲- خبر اسم استفهام باشد

أين الطريق

«راه کجاست؟»

اسم استفهام خبر مقدم بر مبتدا

۳- زمانی که مبتدا محصور باشد

ها عادل الخ الله

«نزد عادل خبر خدا»

خبر مقدم مبتدا محصور

فی دار صاحبها

مبتدا مؤخر
خبر مقدم
وجوباً
و شبهه

۴- زمانی که مبتدا شامل خبر باشد که به خبر برمی گردد.

* می دانستیم که مرجع خبر طبق اصلی باید مایلش باشد

۱- خبر ظرف یا جار و مجرور، مبتدا اسم نکره

۲- خبر اسم استفهام

۳- مبتدا و مصدر باشد

۴- مبتدا دارای خبری باشد که به خبر برگردد.

موارد تقدم وجوبی

خبر بر مبتدا

موارد تقدم وجوبی مبتدا بر خبر «گروه»

۱- زمانی که مبتدا از اسماء صدرات طلب باشد

۱- های تَجْزِیَه

۲- کم خبریه

۳- اسماء استفهام و شرط

۴- اسمی که اضافه شده به اسماء استفهام و شرط

۵- اسمی که همراه شده باشد با یکی از ادوات صدرات طلب

اسماء صدرات طلب

اه های تَجْزِیَه ← هَا الْخَسَنَ الصِّرَاق «چیز بیست راستگوی»

های تَجْزِیَه خبر گروهی

اسماء صدرات طلب وجوباً مبتدای مقدم، محذوف نوع

۲. کم خیریه ← کم خیریه فی سبیل ابی
 چای افشار
 کم خیریه تمیز خیر
 صدارت طلب، مبتدای مودع و جوابی، محله مزرع

۳. اسعاه استقام و شریا ← من یسئل یخیر
 هر کس چیزی بپرسد، خداوند بهترین را بدهد.
 اسعاه شریا خیر مودع مرفوع
 صدارت طلب، عجباً مبتدای مودع، محله مزرع

۴. اسمی که اضافه شده به اسعاه استقام و شریا ← علم من ذکره اکرم
 مبتدا اسم شرط، مضاف الیه، محله مزرع
 اسم اضافه شده به اسم شرط، مرفوع

۵. اسمی که همراه شهادت با یلی از ادوات صدارت طلب

للموت فی هذا اللّٰه خیر من الحیاة
 موت در این خدا بهتر از حیات است.
 مبتدا جار و مجرور متعلق بموت مضاف الیه
 لایم ابتدائیت، لایم مفتوحه، صدارت طلب، معنی تأکید ای راست. موت همراه شده با الی

۶. زبانی که مبتدا و خبر در معرفه و نکره بودن یکسان باشند و قرینه ای در جمله نباشد
 در نکره وجوباً مبتدا بر خبر مودعی می شود.

* درجی همه جملات را با خبر و برخی جواب شرط را خبر می دانند.

أَخَوَكُ سَفْدِي با ۲ معنی
 ← برادر تو تکیه گاه من است.
 ← تکیه گاه من برادر تو است.

معنی به اضافه مکتوب به اضافه

در مورد دیگر، هر دو مکتوب به اضافه هستند مخائب سردگم می شود در انتخاب مبتدا و

نکره، برای حل مثلثی نویسنده می گوید که باید طبق قانون مبتدا بر وجه مقدم باشد.

أَخَوَكُ سَفْدِي
 مبتدا خبر
 مضافه الیه مضاف الیه
 «برادر تو تکیه گاه من است.»

أَكْبَرُ خَلْقٍ سَقَا أَبْلَغُ مِنْكَ خُذْلَةً
 مبتدا (نکره) خبر (نکره) خبر (نکره)
 علت موصوفه و موصوفه من تفضیلیه
 من تفضیلیه آفوه

«کسی که از تو بزرگتر است بزرگترین
 از تو بزرگتر است.»

در مورد دیگر، هر دو اکبر و ابلغ نکره هستند ولی بر اساس خرائج (من تفضیلیه)

اکبر مبتدای گیریم جواباً و ابلغ لاحقاً

لفظی ← از ارباب طایف استفاده می کنیم.

معنوی ← از ترجمه استفاده می کنیم.

نکته: هر جا اسم نکره بود که بسیاری بودند ادلی و وجوباً مبتدا و زحی اجزای کیم.

در جایی که قرینه هست وجوبی در کار نیست. از قرینه به مبتدائی رسید.

«مردی صالح حاضر است»

رجل صالح حاضر

مبتدا صفت خبر

جایزه

حاضر رجل صالح

۳- زمانی که خبر به الا وانما تصور شود، وجوباً مبتدا مقدم است.

۱- فقط زیاده تین است.

۲- تین فقط زیاده تین است.

۳- تین تین مکرر زیاده تین.



ما الکسلان الا حاضر

خبر خصوصیت

مبتدا

۴- زمانی که خبر جملہ طبعی باشد، وجوباً مبتدا مقدم است و

خبر، فعلی باشد که رفع دهنده غیر مبتدا باشد.

۱- اتفاق کن درهم

۲- درهم اتفاق کن

الدرهم انفق

مبتدا فعل امر

وجوباً مقدم فعل طبعی

اتفاق کن در جملہ خبر

خبر جملہ طبعی

تو را وجوبی مبتدا

خبر فعلی باشد که رفع دهنده غیر مبتدا باشد.

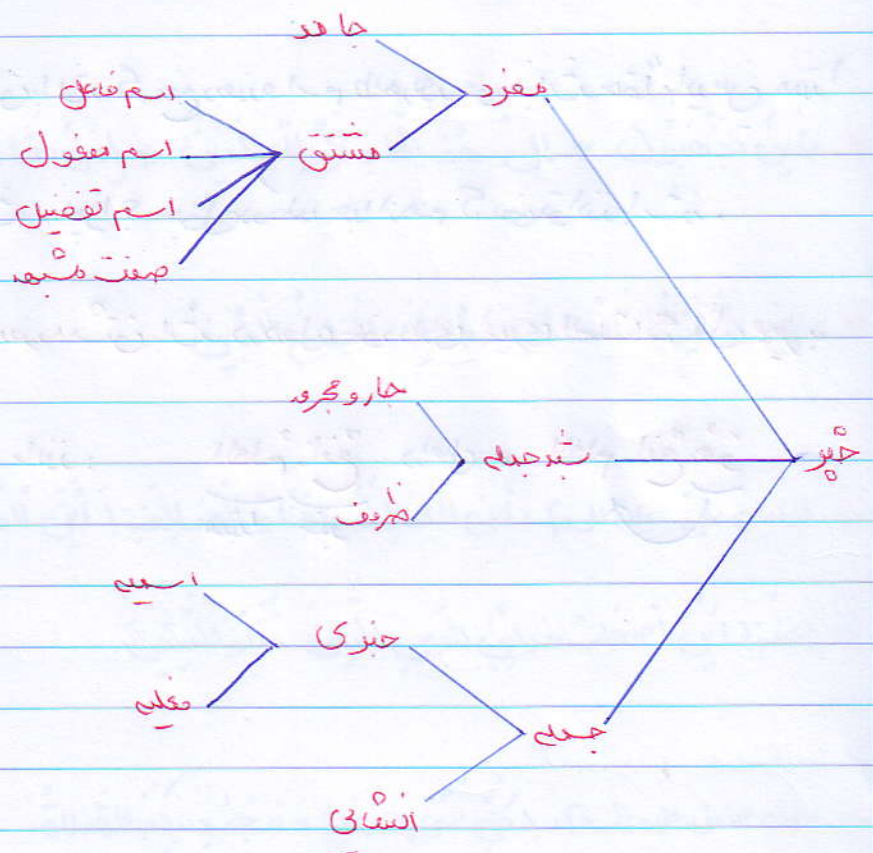
حَالَمُ الصَّانِفِ كَرْدِ دَهْدِهَش

الْحَالِمُ اِنْصَفَ فِي عِلْمِهِ

مبتداً و جواباً خبر

در اصل انصاف خبر و هو مشتق برمی گردد به حالَم رُفَع دَهْدِه هَمَز
عَنِ عِلْمِهِ : جار و مجرور

درس ۱۸ : علاقات خبریه مبتدا یا ارتباطات بین خبر و مبتدا



- ۱- رفع دهنده اسم ظاهر بود خود هت
 - ۲- رفع دهنده اسم ظاهر بود خود نیست
- خبر مشتق

العلمُ نافعٌ

مبتدا خبر مستقر (اسم فاعل)

رفع دهنده اسم ظاهر بود خود نیست

زيدٌ قائمٌ ابوهُ

مبتدا خبر مستقر فاعل برای قائم

(اسم فاعل)

نکته: اگر خبر مستقر باشد که رفع دهنده اسم ظاهر بود خود نباشد حتماً باید بین مبتدا

و خبر رابطه ای باشد. چرا؟ چون دو کلمه جدا از هم که نمی توانند باشند.

چون حرفه خبر مفرد، مستقر باشد در دول خود دارای ضمیری است که آن ضمیر به

مبتدا برمی گردد مانند: العلمُ نافعٌ ^{داصل} العلمُ نافعٌ هو

مبتدا خبر